



ادبیات اوان کودکی؛

اح پیوند

محمد دهریزی
شاعر و نویسنده کودک

* مقدمه

جست و جوی ادبیات کودک در تاریخ ادبیات ایران و جهان برای پیدا کردن ادبیات کودک به معنای متعارف و امروزی آن، تقریباً کابی حاصلی است. آنچه موجود است و گاهی در مقاله ها و درس نامه ها به عنوان ادبیات کودک شمرده می شود، آثار کودک پسند و کودک فهمی است که برای مخاطبان بزرگسال خلق شده است، اما به دلیل برخورداری از برخی مؤلفه های ادبیات امروز کودک، مثل حجم کم، سادگی بیان و زبان، و موضوعات حسی و مبتلابه مخاطبان جوان تر، مورد پسند و قابل فهم برای کودک یا نوجوان واقع می شد.

* ادبیات کودک در جهان

شروع رنسانس و تکانه های پس از آن سبب شد در تمامی حوزه ها تحول جدی رخ بدهد. از جمله این تحولات، تغییر نگرش به «کودک» و «مفهوم کودکی» بود. در نگرش جدید، نظریه های رایج روان شناسی ثابت کرد، کودک مینیاتور کوچک شده ای از بزرگسال نیست، بلکه خود کودک شخصیت و هویتی مستقل دارد که باید آن را شناخت و به نیازهای مختص آن توجه کرد. در نگره های نوبه کودک، یکی از نیازهای جدی، «خلق

* ادبیات کودک در ایران

در ایران نیز تغییر نگرش به کودکی و خلق ادبیات کودک از زمان مشروطه اتفاق افتاد. ادبیات کودک ایران نیز مثل ادبیات کودکان در غرب، با جمع آوری گونه های عامیانه ادبیات کلید خورد و طی دو دهه هویتی مستقل از ادبیات بزرگسال پیدا کرد.

گسترش ترجمه ادبیات کلاسیک غرب به زبان فارسی، شرایط را برای خلق ادبیات معاصر کودک، به ویژه داستان کودک و نوجوان، فراهم کرد. راه افتادن مجله های ویژه کودکان، مثل پیک و کیهان بچه ها، مجله های نقد و تحلیل ادبیات کودک، همانند سپیده فردا، تأسیس شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری، ظهور چهره های سرشناسی چون جبار باغچه بان، عباس یمنی شریف، محمود کیانوش، مهدی آذر یزدی، صمد بهرنگی، محمود مشرف آزاد تهرانی، پروین دولت آبادی، علی اشرف درویشیان و منصور یاقوتی عوامل دیگری بودند که به پاگیری و گسترش ادبیات نوین کودک در ایران کمک کردند.

اکنون پس از گذشت یک قرن، ادبیات کودک در ایران، چه در حوزه های ذوقی و چه در فضاهای نظری، کاملاً تخصصی شده است. شاعران، نویسندگان و تصویرگران

ادبیات ویژه کودکان» بود. این مسیر با مکتوب سازی ادبیات شفاهی، مثل مثل ها، چیستان ها و ترانه ها آغاز شد. در ادامه سنت مکتوب سازی ادبیات شفاهی ملل، بارزترین اثر، مجموعه دو جلدی «قصه های عامیانه آلمان» بود که در قرن نوزده «برادران گریم» آن را جمع آوردند.

و اما اتفاق اصلی در دانمارک افتاد. زمانی که هانس کریستین آندرسن، پدر ادبیات کودک جهان، قصه های عامیانه را به سبک و سیاقی متفاوت برای کودکان نوشت. «پری دریایی کوچولو»، «بندانگشتی»، «ملکه برفی»، «دخترک کبریت فروش» و «لباس جدید امپراتور» از جمله آثار او است که اغلب آن ها به زبان های زنده دنیا ترجمه شده یا در قالب فیلم و پویانمایی تولید شده اند. پس از آندرسن، توجه به ادبیات کودک و خلق آثار ویژه کودکان شتابنده شد. لوئیس کارول (آلیس در سرزمین عجایب)، گارلو کلودی (پینوکیو)، ژول ورن (دور دنیا در هشتاد روز، سفر به مرکز زمین، بیست هزار فرسنگ زیر دریا، جزیره اسرار آمیز) و مارک تواین (ماجراهای هاکلبری فین) از شاخص ترین خالقان ادبیات کلاسیک کودکان جهان هستند.

دانش و خیال و حساس

در پایان، مسئولیت سنگین نهادها و سازمان‌های مرتبط با تربیت کودکان زیر هفت سال، به‌ویژه «سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک» را یادآور می‌شوم که با برنامه‌ریزی درست و دقیق، زمینه را برای شناسایی، معرفی و حمایت از ادبیات ناب کودکان در دوره‌ی اوان کودکی فراهم کنند. چند توصیه‌ی ضروری و البته کاربردی برای معلمان دارم؛ به‌ویژه معلمانی که خود فرزند دارند و مسئولیت سنگین والدگری را عهده‌دارند:

- فعالیت کتاب‌خواندن برای نوزادان نوپا را به تأخیر نیندازید. یادتان باشد، سواد آینده‌ی کودکان از طریق شنیدن واژه‌ها و دقیقاً در همین سنین پایه‌گذاری می‌شود؛

- مغز نوزادان نوپا واژه‌ها را با قدرت و سرعت فوق‌العاده‌ای جذب می‌کند؛ فرایند جذب واژه در حالت شیر خوردن، سینه‌خیز، بازی و حتی خواب متوقف نمی‌شود؛

- از همان یک‌سالگی یا حتی زیر یک سال، نوزاد را روی پای راست بنشانید، کتاب را در مقابل او بگشاید و شروع به خواندن کنید. نکته‌ی کلیدی در این نوع کتاب‌خواندن، چگونگی شیوه‌ی اجراست. در هنگام خواندن، انگشتان را روی تک‌تک واژه‌ها حرکت دهید. پس از ده‌یاد بار خواندن به این شیوه، نوزاد ارتباط بین خط‌های سیاه‌رنگ و صدای شمارا پیدا می‌کند؛

- این عبارت‌طلایی و کلیدی‌را به‌خاطر بسپارید: «کودکان پیش از دبستان به کتاب‌های زیادی نیاز ندارند، بلکه نیاز دارند یک کتاب را زیاد بشنوند». آنچه باعث تثبیت کتاب و ایجاد لذت در ذهن کودک می‌شود، همین تکرار است. یادتان باشد، ادبیات اوان کودکی (صفر تا شش سال) سه عنصر بنیادین دارد: «بلندخوانی»، «تکرار» و «اجرا». به همین دلیل است که معروف شده است: «میزان کتاب‌خوانی ما بزرگسالان به سه چیز بستگی دارد:

۱. در خردسالی چه کسی برایمان کتاب خوانده است؛
۲. چه کتابی خوانده است؛
۳. چگونه خوانده است.

- کتاب‌خواندن برای کودکان زیر هفت سال باید نوعی فعالیت «بازی‌گوشانه» باشد. بنابراین، در هر بار تکرار، نوع و شیوه‌ی اجرای کتاب را تغییر دهید. بلندخوانی، جمع‌آوری، شعربازی، قصه‌گویی، نمایش خلاق، نمایش عروسکی و نقاشی روش‌های خوبی برای تکرار متنوع و بازی‌گوشانه‌ی کتاب‌اند؛

- هنگام خواندن هر کتاب، مکتب‌روی تصویرها معجزه می‌کند. هیچ اشکالی ندارد یک کتاب را بدون شتاب و در چند مرحله بخوانیم؛

- شکل فیزیکی کتابخانه‌ی کودکان در علاقه‌مند کردن آن‌ها به کتاب تأثیر دارد. کتاب‌های کودکان را در ردیف‌های پایین کتابخانه بچینید؛ جوری که روی جلد کتاب دیده شود؛

در روند شکل‌گیری بنیاد زبان، رشد سواد واقعی، قوام تخیل و ذائقه‌ی ادبی کودکان به وجود می‌آید؛ اختلالی که روند رشد فکری و ذهنی کودک را به مخاطره می‌اندازد و تا سالیان سال، از دوره‌ی مدرسه تا دانشگاه و پس از آن، دوام خواهد داشت.

کتاب‌خواندن برای نوزاد، از بدو تولد تا دوسالگی، ارتباط مستقیمی با گسترش شبکه‌ی نورونی مغز کودک دارد. به‌ویژه در دو سال اول زندگی، هر واژه‌ای که کودک می‌شنود، در ذهن او ثبت و ضبط می‌شود. کودکی که در این دوره شش ساله در معرض متن نوشتاری قرار می‌گیرد، با انبوهی از واژگان نیایب و کمیاب راهی دبستان می‌شود و همین واژه‌ها هستند که رشد تحصیلی او را تضمین می‌کنند.

از منظر آموزشی، در اول ابتدایی معمولاً با دو گروه از کودکان سروکار داریم: دسته‌ی اول کودکانی که با تجربه‌های غنی ادبی، گنجینه‌ی واژگانی گسترده و عشق به کتاب‌پا به کلاس می‌گذارند، و دسته‌ی دوم کودکانی که با تجربه‌ی ادبی کم، گنجینه‌ی واژگانی محدود و بدون چشیدن مزه‌ی کتاب‌راهی مدرسه می‌شوند.

هر دو دسته محصول کار والدین آن‌هاست. والدین دسته‌ی اول به‌موقع و به‌درستی کودکان را در تجربه‌های ادبی خود سهیم کرده‌اند؛ بدون آنکه قصد آموزش یا پرورش آن‌ها را داشته باشند. اما والدین گروه دوم، در توهم باسواد شدن کودک، کتاب‌خواندن برای او را به تأخیر انداخته‌اند. غافل از اینکه خواندن برای نوزاد نوپا پایه‌ی سواد ادبی و تحصیل آینده‌ی او را شکل می‌دهد و موفقیت تحصیلی‌اش را از مدرسه تا دانشگاه بیمه می‌کند.

آثار خود را متناسب با رده‌بندی‌های سنی تولید می‌کنند و ناشران به تناسب نیازهای بصری و شناختی مخاطبان، کتاب‌ها را تولید و روانه‌ی بازار نشر می‌کنند.

* معجزه‌ی والدین و مربیان

از منظری دیگر، خلق ادبیات کودک و نشر آن در صورتی می‌تواند تحول‌آفرین باشد که به‌درستی توزیع شود و به راحتی در دسترس مخاطبان قرار گیرد. یکی از گلوگاه‌های حساس در بهره‌گیری از ادبیات، دوره «اوان کودکی»، یعنی صفر تا شش سالگی است. شاید باورش کمی سخت باشد، اما حقیقت دارد که مهم‌ترین و حساس‌ترین دوره‌ی کتاب‌خوانی برای کودکان، همین دوره‌ی اوان کودکی است.

البته پدید آوران ادبیات کودک از این دوره‌ی سنی غافل نشده‌اند. آثار انبوهی برای صفر تا دوساله‌ها و سه تا شش ساله‌ها تولید شده‌اند، اما متولیان فرهنگی، والدین و مربیان این گروه سنی هنوز ضرورت خواندن این آثار را در اولویت قرار نداده‌اند. این غفلت بزرگ، یک گزاره‌ی غلط دارد: «صبر کنیم تا کودک خواندن یاد بگیرد.»

با به تأخیر انداختن کتاب‌خواندن برای کودکان این دوره‌ی سنی، اختلال بزرگی